

## استفاده از منابع آب رودهای مرزی ایران و عراق و حقوق بین الملل<sup>۱</sup>

دکتر اصغر جعفری ولدانی [rjvemail@yahoo.com](mailto:rjvemail@yahoo.com)

دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۸/۲۶ تاریخ پذیرش نهایی: ۸۸/۱۲/۱۲

### چکیده

مصرف آب در سال های اخیر به علل رشد جمعیت، گسترش شهرها و توسعه کشاورزی از افزایش چشم گیری برخوردار بوده است. این مسأله سبب بروز بحران آب و منازعه بین کشورها در مورد استفاده از آب رودخانه های مرزی شده است. این موضوع رودخانه های مرزی ایران و عراق را نیز در بر گرفته است. ایران در مورد بهره برداری از آب رودخانه های مرزی طبق موازین حقوق بین الملل عمل کرده است. در حال حاضر نیز کمیسیونی متشکل از کارشناسان ایران و عراق، مشغول بررسی سهم هر یک از طرفین از آب رودخانه های مرزی مطابق با موافقتنامه منعقد شده بین دو کشور مورخ دسامبر ۱۹۷۵ هستند.

واژگان کلیدی: آب، رودخانه ها، حقوق بین الملل، موافقتنامه ۱۹۷۵، کنوانسیون ۱۹۹۷

۱. این مقاله با توجه به اهمیت موضوع و تایید شورای علمی مجله مقرر شد تا در این شماره به زیور طبع آراسته گردد.

#### مقدمه

امروزه آب در مناسبات بین کشورها یک عامل بسیار تأثیرگذار است. برخی برای آینده آب، ارزش و اهمیتی به مراتب بیشتر از نفت قایل می‌شوند. بدون نفت می‌توان زندگی کرد، ولی امکان زندگی بدون آب وجود ندارد. مصرف آب در سال‌های اخیر به نحو بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است. این امر ناشی از رشد جمعیت و توسعه کشاورزی بوده است. جمعیت جهان از ۱ میلیارد نفر در سال ۱۹۰۰ به حدود ۶ میلیارد نفر در پایان قرن بیستم رسیده است. همچنین مجموع سطح زیر پوشش آبیاری جهان نسبت به سال ۱۹۰۰ بیش از ۵ برابر شده است.

سازمان ملل متحد یک رشد جمعیت ۱ میلیارد نفری را در دهه آینده و ۲ میلیارد نفری را در دو دهه آینده، برای جهان پیش‌بینی می‌کند. رشدی که تقاضای سنگینی بر منابع آب کشورهای در حال توسعه تحمیل خواهد کرد. دامنه این تقاضاها وقتی در برابر محدودیت‌های منابع آب و بی‌برنامگی برای رویارویی با خشکسالی‌ها سنجیده شود، آشکار می‌شود که جهان با بحران آب روبرو استهم اکنون به علت کمبود آب، ۷۰ منطقه در سطح جهان به عنوان کانون‌های بحران شناخته شده است (ساری صراف، ۱۳۸۴: ۱۹۶).

اکنون سرمایه‌گذاری بر روی آب و بهره‌گیری بهینه از آن، در بسیاری از کشورهای جهان بخشی از اصول سیاست آن‌ها را تشکیل می‌دهد. برخی از صاحب‌نظران قرن ۲۱ را قرن آب نامیده‌اند. به نظر آن‌ها منازعات جهانی برای استفاده از آب در این قرن شدت خواهد گرفت. پطرس غالی دبیر کل پیشین سازمان ملل گفته است: "جنگ‌های آینده خاورمیانه به خاطر نفت نخواهد بود. بلکه بیشتر به خاطر آب خواهد بود که پیوسته مقدار آن در این منطقه کاهش می‌یابد" خاورمیانه اصولاً با کمبود آب روبرو است. مقایسه رشد جمعیت با مقدار ذخایر آب موجود در خاورمیانه نشان می‌دهد که برای هر نفر مقدار حداقل ۱۰۰۰ متر مکعب آب در سال وجود دارد. این مقدار آب در مقایسه با کشورهای صنعتی بسیار اندک است. در اغلب این کشورها، با وجود کمبود آب، مردم بی‌رویه آب مصرف می‌کنند. از سوی دیگر کشاورزی نیز در این کشورها به شیوه سنتی است و میزان اتلاف منابع آب بسیار بالا است.

این مسئله در مورد کشور همسایه ایران یعنی عراق نیز صدق می‌کند. افزایش مصرف آب در عراق و عدم استفاده بهینه از آن موجب بروز اختلاف بین این کشور و ایران شده است. دولت عراق اخیراً ادعا کرده که ایران با انجام برخی اقدامات بر روی رودخانه‌های مرزی موجب کاهش میزان آب ورودی به عراق شده است. معاون وزارت امور خارجه ایران ضمن رد این

ادعا آمادگی ایران را برای انجام مذاکرات فنی در مورد تقسیم آب رودخانه های مرزی با عراق و سهم دو کشور اعلام کرده است. وی با اشاره به توافق ایران و عراق در مارس ۲۰۰۸ برای حل همه مشکلات میان دو کشور براساس معاهدات ۱۹۷۵ افزوده که در موافقتنامه تقسیم آب رودخانه‌ها منعقد در سال ۱۹۷۵، میزان سهم برای هر یک از دو کشور مشخص نیست و کمیسیونی متشکل از کارشناسان دو دولت در حال تعیین سهم هر یک از طرفین هستند (ایران، ۲۶ شهریور ۱۳۸۸).

در اینجا چند سؤال مطرح می شود، آیا ایران حاکمیت بر منابع آب رودخانه های مرزی را حق مطلق خود می داند؟ حاکمیت دولت ها نسبت به رودخانه های مرزی از منظر حقوق بین الملل مطلق است یا محدود؟ در موافقتنامه سال ۱۹۷۵ ایران و عراق مربوط به بهره برداری از آب رودخانه های مرزی چه تدابیری برای تقسیم آب اندیشیده شده است؟ درباره ادبیات موضوع باید اشاره نمود، در حالیکه در مورد کشتیرانی و مرز در اروندرود کتب و مقالات بسیاری نوشته شده، اما مسأله بهره برداری از آب سایر رودخانه های مرزی ایران و عراق، مورد کم توجهی پژوهشگران قرار گرفته است.

در این مقاله ابتدا نگرش ایران و عراق به مسأله آب سپس پیشینه مذاکرات دو کشور را در این مورد بررسی خواهیم کرد. پس از آن به مقررات حقوق بین الملل اشاره خواهد شد. آن گاه مفاد موافقتنامه منعقد بین دو کشور در مورد استفاده از آب رودخانه های مرزی مورخ دسامبر ۱۹۷۵ را بررسی خواهیم نمود. بالاخره تحت عنوان "سخن پایانی" راهکارهایی را برای مذاکره با طرف عراقی پیشنهاد خواهیم کرد.

### نگرش ایران و عراق به مسأله آب

عراق هیچ رودخانه ای ندارد که از داخل خاک آن کشور سرچشمه گرفته باشد. رودخانه هایی که وارد عراق می شوند، از ایران و ترکیه سرچشمه می گیرند. با اینحال عراق بیشترین ادعاها و اعتراضات را به ترکیه و ایران داشته و دارد. از خاک ترکیه رودهای دجله و فرات سرچشمه گرفته و وارد خاک عراق می شوند. از آنجا که سرچشمه دجله و فرات در خاک ترکیه است، این کشور کنترل میزان آبی را که وارد عراق می شود، در دست دارد. از ایران رودخانه های زیادی وارد اروند رود یا خاک عراق شده که مهمترین آن ها عبارتند از:

۱- رود کارون: درود کارون به رود «دز» پیوسته و مهمترین رود ایران از نظر حجم آب است که به اروند رود می ریزد و از این نظر، با هر یک از رودخانه های دجله و فرات قابل

مقایسه می باشد. رود کارون در هر ثانیه به طور متوسط ۷۵۰ متر مکعب آب را به ارون رود می ریزد. آب رودخانه کارون به قدری زیاد است که این رودخانه به طول ۱۰۰ کیلومتر از مصب خود، قابل کشتیرانی است و تنها رودخانه قابل کشتیرانی ایران است (یونسکو، ۱۳۴۲: ۵۷).

۲- رود کرخه: این رودخانه زمانی به شکل مستقل به خلیج فارس می ریخت ولی هم اکنون در نزدیکی سوسنگرد متوجه مغرب شده و به رود دجله می ریزد. ۳- رودخانه های زاب بزرگ، زاب کوچک و دیاله نیز به دجله می ریزند. زاب بزرگ در جنوب موصل، زاب کوچک در نزدیک تکریت و دیاله در بغداد به دجله می ریزند (Encyclopedia Americana, 1963:623). زاب کوچک در ایران به رود سردشت معروف است. ۴- رودخانه های کبور، سیروان و الوند نیز از خاک ایران سرچشمه گرفته و به دجله می ریزند. به طور کلی در مرزهای ایران و عراق ۳۶ رودخانه جریان دارد (وزارت امور خارجه ایران، ۱۳۵۵: ۵). در جدول شماره ۱ ویژگی های برخی از رودخانه های مرزی ایران و عراق آمده است. به طوری که در جدول مشاهده می شود اکثر این رودخانه از کوههای واقع در دو استان ایرانی همجوار با عراق یعنی کرمانشاه و ایلام سرچشمه گرفته و وارد عراق می شوند.

### ویژگی های برخی از رودخانه های مرزی ایران و عراق

جدول شماره ۱

ردیف	نام رود	موقعیت جغرافیایی	درازا در ایران (کیلومتر)	مرز مشترک ایران و عراق (کیلومتر)
۱	زاب کوچک	آذربایجان غربی	۱۵۵	۴۵
۲	قرلجه سو	کردستان	۲۸	۱۵
۳	کنگاگوش	کرمانشاه	۷۹	۷۵
۴	الوند	کرمانشاه	۱۱۷	۵۵
۵	فوره تو	کرمانشاه	۴۵	۳۴
۶	زیمکان	کرمانشاه	۱۰	-
۷	سیروان	کرمانشاه	۹۵	۴۲
۸	چنگوله	ایلام	۸۲	-
۹	تلخاب	ایلام	۵۰	۴
۱۰	کنجان چم	ایلام	۶۹	۲۰۵
۱۱	دویرج	ایلام	۲۰۲	۲۵
۱۲	میمه	ایلام	۱۶۱	۲۵

منبع: اطلاعات سیاسی- اقتصادی، شماره ۲۶۴-۲۶۳، مرداد- شهریور ۱۳۸۸، ص ۷۳.

عراق را از نظر جغرافیایی می توان به دو قسمت تقسیم کرد. عراق سبز، که شرق این کشور را در بر می گیرد و سرسبزی آن مدیون رودخانه هایی است که از ایران سرچشمه گرفته و وارد خاک آن کشور می شوند. دیگری عراق خشک، که غرب کشور را شامل می شود. این قسمت در مجاورت مرزهای سوریه، اردن و عربستان سعودی واقع شده است و کویر و بیابان آن را پوشانیده است. گرد و غباری که در سال ۲۰۰۹ ایران را فرا گرفت، از این قسمت بلند شده بود.

در طی سالیان، به علت افزایش جمعیت، گسترش شهرها و توسعه کشاورزی میزان مصرف آب در عراق افزایش یافته است. جمعیت عراق از ۱۰ میلیون نفر در سال ۱۹۷۳ به ۲۹ میلیون نفر در سال ۲۰۰۹ افزایش یافته است یعنی حدود سه برابر شده است. این مسأله نشان می دهد که مصرف آب آشامیدنی در این مدت در عراق ۳ برابر گردیده است. از سوی دیگر دولت عراق از دهه ۱۹۷۰ از کشاورزی به عنوان "نفت پایدار" نام برده و به منظور توسعه کشاورزی و احیای اراضی طرح های زیادی را بمورد اجرا گذارده است. از جمله سدهای زیادی را احداث کرده است. دولت عراق اعلام کرده که اراضی زیرکشت کشور را از ۶ میلیون هکتار به ۲۴ میلیون هکتار یعنی ۴ برابر افزایش خواهد داد. هدف مقامات عراقی از افزایش سطح زیر کشت، صدور محصولات کشاورزی به کشورهای خلیج فارس و سایر کشورهای عربی است (Saker, 1982: 158).

بدیهی است که رشد جمعیت به ۳ برابر و افزایش سطح زیر کشت به ۴ برابر، به مفهوم افزایش مصرف آب به چند برابر است. عراق همزمان طرح هایی را برای صادرات آب به کویت ارائه داده است. این کشور از دهه سوم قرن بیستم همواره اعلام آمادگی کرده که آب به کویت و سایر کشورهای خلیج فارس صادر کند. تا اینکه دو کشور در سال ۱۹۸۹ قراردادی را برای صادرات آب از عراق به کویت امضاء کردند.<sup>۱</sup> آب صادراتی به کویت از اروند رود تأمین می شود. بیش از ۶۷ درصد آب اروند رود نیز از رودهای ایران است. علاوه بر آن، به طوری که در جدول شماره ۲ دیده می شود رودهای کارون، کرخه، دز و زیمکان پر آب ترین رودهای ایران هستند که وارد عراق می شوند.

۱. در مارس ۱۹۸۹ یک موافقتنامه انتقال آب شیرین از عراق به کویت بین دو کشور به امضاء رسید. بموجب این موافقتنامه قرار شد در مرحله اول روزانه ۳۵۰ میلیون گالن آب شیرین از طریق اروند رود به کویت ارسال شود و در مرحله دوم این رقم به دو برابر یعنی ۷۰۰ میلیون گالن افزایش یابد. از این رقم روزانه ۵۰۰ گالن جهت آبیاری زمین های کشاورزی و بقیه به مصرف آب آشامیدنی می رسید. همچنین گفته شد که کویت در نظر دارد تا از آب شیرین رودخانه های جنوب عراق یک دریاچه مصنوعی در شمال کشور احداث کند.

از سوی دیگر ائتلاف منابع آب در عراق بسیار بالا است. علت این امر آبیاری بیش از اندازه زمین های کش اورزی، ویران شدن سدها و مدیریت غیر واقع بینانه آب در این کشور است (ایزدی، ۱۳۷۲: ۸۳-۸۱). در جریان بمباران های هوایی نیروهای متحدین در سال ۱۹۹۱ حدود ۷۵ درصد سدهای دوکان و حدیثه نابود شد و آب بند رمادی و سدهای صدام و سامره به طور کلی از کار افتاد. به سد دربندی خان نیز ۵۰ درصد خسارت وارد گردید (همان: ۸۳). عراق نتوانسته سدهای ویران شده را بازسازی نموده و مصرف آب در کشور را بهینه کند. تنها راهی که برای تأمین افزایش تقاضا انتخاب کرده، فشار بر ایران بوده است. ایران در حالیکه میزان استفاده از آب رودخانه های مرزی خود را افزایش داده، اما بهیچوجه موجب تضییع حق عراق در بهره برداری از آب نشده است.

اصولاً ایران خود با کمبود آب روبرو است. ایران به دلیل قرار گرفتن در کمربند بیابانی، یکی از مناطق خشک خاورمیانه است. متوسط بارندگی سالانه در ایران حدود ۲۵۰ تا ۳۰۰ میلیمتر و یا به عبارتی کمتر از یک سوم متوسط بارندگی سالیانه کره زمین (۸۶۰ میلیمتر) است. با اینحال ایران هرگز سیاست ترکیه را در قبال عراق در پیش نگرفته است. ترکیه حاکمیت بر منابع آب رودخانه های دجله و فرات را حق خود می داند.<sup>۱</sup> این کشور معتقد است که آب یک منبع بالای رودخانه است و استفاده کنندگان پایین رود نمی توانند بگویند که دولت ترکیه از منبع خود چگونه استفاده کند، همان طور که نفت یک منبع متعلق به سرچشمه آن در بسیاری از کشورهای عرب است و دولت ترکیه به آنها نمی گوید که چگونه از آن استفاده کنند (ایزدی، ۱۳۷۲: ۶۹). ترکیه در هنگام جنگ خلیج فارس در ۹۱-۱۹۹۰ اعلام کرد ممکن است برای وادار کردن دولت عراق به خروج نیروهایش از کویت آب رودخانه های دجله و فرات را قطع کند. قبل از آن نیز ترکیه تهدید کرده بود که اگر کشورهایی که به کردها کمک می کنند، کمک خود را متوقف نکنند، آب رودخانه فرات را بر روی آنها خواهد بست (جعفری ولدانی، ۱۳۸۲: ۳۹).

۱. سلیمان دمیرل نخست وزیر ترکیه در ۲۲ ژوئیه ۱۹۹۲ اعلام کرد: "دجله و فرات و شاخه های آن ها، آب هایی هستند که از این کشور جاری می شوند و به ترکیه تعلق دارند. ترکیه هم هر طور که مایل باشد از آب هایش استفاده می کند" Keyhan International, 26 July 1992

ویژگیهای رودهای پر آب مرزی ایران و عراق جدول شماره (۲)

ردیف	نام رود	حوزه جغرافیایی	درازا به کیلومتر	شیب به درصد	مسیر کلی	ریزابه به	میانگین آبدهی سالانه به میلیون متر مکعب	میانگین بارندگی سالانه به میلی متر	وسعت حوضه آبریز به کیلومتر مربع
۱	زیمکان	لرستان و کرمانشاه	۱۶۰	۱	شمال باختری	سردریندخان	۱۸/۵	-	۲۴۰۰
۲	چنگوله	ایلام	۸۴	۱	جنوب باختری	دجله	-	-	۱۲۰۰
۳	سروان	کردستان و کرمانشاه	۱۰۰	۷/۷	باختری	دیاله	۱۱۰۰	-	-
۴	زاب کوچک	آذربایجان باختری	۱۸۰	۱/۴	جنوب خاوری	زاب کوچک	۱/۲۸۰	-	-
۵	کنجان چم	ایلام	۹۰	۱/۸	جنوب باختری	-	-	-	۲۴۰۰

در حالیکه ایران هیچگاه قائل به حاکمیت مطلق خود بر آب رودخانه‌هایی را که از خاک خود سرچشمه گرفته و وارد عراق یا اروند رود می‌شود، نبوده و در هیچ زمانی تهدید به قطع جریان آب رودخانه‌های خود به خاک عراق نکرده است. از سوی دیگر ایران می‌توانست در مقابل عراق همان سیاست افغانستان نسبت به ایران را در پیش گیرد، اما به چنین سیاستی نیز متوسل نشده است. افغانستان از میزان آب وارده هیرمند به ایران کاسته و در برخی سال‌ها آن را به طور کلی قطع کرده است. افغانستان حتی به موافقتنامه سال ۱۹۷۳ که میزان آب وارده به ایران را تعیین کرده، پای بند نبوده است.<sup>۱</sup>

ایران بر خلاف ترکیه و افغانستان در مورد رودخانه‌های مرزی، اقدامی که مغایر با مقررات حقوق بین‌الملل باشد، و یا در تناقض با موافقتنامه ۱۹۷۵ مربوط به استفاده از آب رودخانه

۱. آب رودخانه هیرمند از نظر آبیاری برای سیستان و بلوچستان ایران بسیار حایز اهمیت است. افغانستان با احداث سد بر روی این رودخانه و انحراف مسیر آن، از میزان آب وارده به ایران کاسته و در برخی از سال‌ها آن را به طور کلی قطع کرده است. این مسأله از قرن نوزدهم تا کنون همواره در مناسبات بین دو کشور مطرح بوده است. افغانستان با قطع آب رودخانه هیرمند، استان سیستان و بلوچستان ایران را که زمانی انبار غله شرق به شمار می‌رفت، به سرزمین نیم خشکیده‌ای تبدیل کرده است.

های مرزی بین دو کشور باشد، انجام نداده است. ایران حتی در طول ۸ سال جنگ هیچگاه تهدید به تغییر مسیر رودخانه مرزی نکرد. در حالیکه دولت عراق پس از برقراری آتش بس و آغاز مذاکرات صلح چندین بار اعلام کرد که در نظر دارد جریان آب اروندرود را تغییر دهد. صدام حسین در جلسه ای با حضور گروهی از فرماندهان نظامی از جمله ژنرال عدنان خیرالله وزیر دفاع و وزیر صنایع این کشور، در سپتامبر ۱۹۸۸ گفت: «برای ما امکان دارد مسیر شط العرب (اروندرود) را تغییر دهیم» (جمهوری اسلامی، ۳۰ شهریور ۱۳۶۷). چند روز بعد نیز طه یاسین رمضان معاون نخست وزیر عراق نیز اعلام کرد که کشورش قصد دارد مجرای شط العرب را به سوی سرزمین داخلی عراق منحرف کند تا راه آبی دو بندر خرمشهر و آبادان مسدود گردد. همچنین عصمت کتانی نماینده عراق در سازمان ملل گفت که اگر ایران و عراق در مورد اروندرود به توافق نرسند، عراق از آبراهی که در خاک خود حفر کرده است استفاده خواهد کرد. وی گفت این طرح هزینه های زیادی در بردارد و برای هر دو کشور ابلهانه است، زیرا انحراف آب به داخل آبراه جدید سطح آب را کاهش خواهد داد و استفاده از بنادر ایران غیرممکن خواهد شد. وی اضافه کرد اما اگر عراق ناچار شود، این کار را انجام خواهد داد (رادیو بی بی سی، ۵ آبان ۱۳۶۷).

### پیشینه مذاکرات ایران و عراق در مورد رودهای مرزی

اغلب تصور می شود که مسأله بهره برداری از آب رودخانه های مرزی ایران و عراق مسأله جدیدی است که در گذشته مطرح نبوده است. در واقع اختلافات ایران و عراق در مورد اروندرود سبب شده تا اختلافات دو کشور در مورد سایر رودخانه های مرزی کم رنگ شود. اختلافات بین دو کشور در مورد اروندرود بیشتر مربوط به مرز دو کشور، راهنمایی کشتی ها، مسأله پرچم، دریافت عوارض کشتیرانی و نحوه هزینه آن بوده است. در حالیکه در مورد سایر رودخانه های مرزی ایران و عراق، مسأله استفاده از آب آنها مطرح بوده است. حدود ۱۰۰ سال است که مسأله بهره برداری از آب این رودخانه ها بین ایران و عثمانی و بعد بین ایران و عراق مطرح است. برای نخستین بار مسأله استفاده از آب این رودخانه ها در جریان مذاکرات انعقاد پروتکل استانبول ۱۹۱۳ و صورتجلسات ۱۹۱۴ مطرح شده است. پروتکل استانبول مربوط به تعیین مرزهای ایران و عثمانی است. تنها در یکی از بندهای این پروتکل چنین آمده "کمیسیون تحدید حدود برای تقسیم آب های کنگیر (سومار) بین دو کشور ایران و عثمانی موافقتنامه مخصوص تنظیم خواهد کرد". اما در مذاکرات مربوط به

تحدید حدود دو کشور، مساله استفاده از آب رودخانه های مرزی به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است، به نحوی که در صورتجلسات تحدید حدود ۱۹۱۴ شرح مفصل آن است. بار دومی که مساله بهره برداری از آب رودخانه های مرزی بین دو کشور مطرح شده در زمان عبدالکریم قاسم بوده است. وی در سال ۱۹۵۸ طی یک کودتا قدرت را در عراق بدست گرفت. در زمان وی اختلافات بین ایران و عراق تشدید شد و منجر به بروز بحران اروندرود در سال های ۶۰-۱۹۵۹ گردید. اما اختلافات بین دو کشور محدود به اروندرود نشد، بلکه دولت عراق مساله استفاده از آب سایر رودخانه مرزی بین دو کشور را نیز مطرح نمود. دولت عراق ایران را متهم به برگرداندن آب رودخانه های مرزی بین دو کشور کرد. عراق ادعا نمود که ایران مسیر رودهای کنگیر، کنجان چم و الوند را تغییر داده و با این اقدام خود زیان هایی به آن کشور وارد کرده است. دولت عراق این امر را مغایر صورتجلسات ۱۹۱۴ و موازین بین المللی اعلام نمود. در کتابی که وزارت امور خارجه عراق تحت عنوان «حقایق درباره مرزهای ایران و عراق» در سال ۱۹۶۰ انتشار داد، درباره مقررات حقوق بین الملل در مورد آب رودخانه های مرزی آمده بود.

«هیچ دولتی بدون عقد قرارداد قانونی خاص و بدون موافقت دول دیگر مشترک در آبهای یک رودخانه بین المللی حق ندارد مسیر آن را تغییر دهد یا آبهای آن را به نحوی که نسبت به دول ذی علاقه دیگر زیان داشته باشد مورد استفاده قرار دهد. یکی از اموری که به صورت یک قاعده بین المللی ثابت و مورد اعتراف در آمده آن است که هیچ دولتی حق ندارد در وضع طبیعی کشور خود تغییری بدهد که نسبت به وضع طبیعی خاک دولت همجوار آن زیان داشته باشد. به موجب این قواعد و اصول بین المللی نه تنها دولتها از متوقف نمودن یا تغییر مسیر آب رودخانه ای که از خاک آنها می گذرد و از مرزهای آنها گذشته، وارد خاک دولت دیگری می گردد، ممنوع هستند، بلکه علاوه براین استفاده از آبهای این رودخانه ها به نحوی که موجب زیان دولت همجوارشان شود یا مانع استفاده مناسب آن دولت از آبهای آن قسمت از رودخانه که در اراضی آن جریان دارد، گردد نیز ممنوع می باشند» (جعفری ولدانی، ۱۳۷۶: ۴۹-۱۴۸).

در مقابل دولت ایران اعلام داشت که عملی برخلاف مقررات حقوق بین الملل و مندرجات صورتجلسات کمیسیون تحدید حدود ۱۹۱۴ انجام نداده و به هیچوجه قصد تضییع حق همسایه خود عراق را نداشته و با توجه به نیازهای خود به آب برای کشاورزی و بهبود سیستم آبیاری، حاضر است کلیه اختلافات موجود بین دو کشور را به نحوی که مورد رضایت دو

طرف باشد، حل و فصل نماید. با اینحال تا زمانی که عبدالکریم قاسم قدرت را در عراق در دست داشت، هیچگونه مذاکره ای بین دو کشور صورت نگرفت.

با سقوط عبدالکریم قاسم در سال ۱۹۶۳، عبدالسلام و عبدالرحمن عارف به قدرت رسیدند. بدنبال آن یک آرامش نسبی در روابط ایران و عراق بوجود آمد و شرایط برای مذاکره دو کشور در مورد مسائل مورد اختلاف از جمله استفاده از آب رودخانه های مرزی فراهم شد. بر همین اساس در جریان دیدار وزیر امور خارجه ایران از عراق در دسامبر ۱۹۶۶ در مورد نحوه استفاده از آب رودخانه های مرزی بین دو کشور نیز مذاکره شد. در اعلامیه پایان مذاکرات آمده بود، طرفین موافقت کردند که نمایندگان دو کشور برای انجام مذاکرات درباره نحوه استفاده از آب رودخانه های مرزی مطابق با اصول حقوق بین الملل و به منظور رسیدن به نتایج قطعی هر چه زودتر تعیین شوند. (جعفری ولدانی، ۱۳۷۶: ۳۱۰-۳۰۹). در طی دیدار عبدالرحمن عارف رئیس جمهوری عراق نیز از ایران در مارس ۱۹۶۷ دو کشور مجدداً تأکید کردند که مذاکرات دو کشور در مورد طریقه بهره برداری از آب رودخانه های مشترک بر وفق اصول حقوق بین الملل ادامه یابد.

همچنین در اعلامیه مشترک ایران و عراق که پس از دیدار سپهبد طاهر یحیی نخست وزیر عراق از تهران در ژوئن ۱۹۶۹ صادر شد، آمده بود که طرفین موافقت کرده اند که کمیسیون های مختلطی برای حل و فصل اختلافات و مسایل بین دو کشور از جمله ادامه مذاکرات قبلی درباره نحوه استفاده از آب های رودخانه های مرزی براساس حقوق بین الملل ادامه یابد. اما به دنبال به قدرت رسیدن حزب بعث در عراق در سال ۱۹۶۸ و تشدید اختلافات بین دو کشور، این مذاکرات قطع شد.

در طول سال های ۷۵-۱۹۶۸ شاهد برخوردهای شدید مرزی بین دو کشور بودیم. آنچه در این برخوردها مهم بود، تلاش عراق برای ویران سازی سدهایی بود که ایران بر روی رودخانه های مرزی بین دو کشور احداث کرده بود. به عنوان مثال در برخوردهای سال ۱۹۷۳ جنگنده های عراقی تأسیسات سد گنجان چم را مورد تهدید قرار دادند. این امر نگرانی های شدیدی را در ایران بوجود آورد زیرا در صورت ویرانی سد خسارات زیادی به وجود می آمد. سد گنجان چم به منظور آبیاری اراضی زراعی دشت مهران بر روی این رودخانه ساخته شده است. این سد حدود ۱۰ هزار هکتار از زمین های اطراف رودخانه را آبیاری می کند. دولت عراق به احداث این سد اعتراض داشت و ادعا می کرد که احداث این سد موجب کاهش میزان آب وارده به عراق شده است.

### حقوق بین الملل

به هر حال به طوری که گفته شد ایران همواره آمادگی خود را برای تقسیم آب رودخانه های مرزی براساس مقررات حقوق بین الملل اعلام کرده بود. در زیر مقررات حقوق بین الملل در مورد رودهای مرزی آورده می شود. در این جا به ترتیب نظرات حقوق دانان، رویه های قضایی داخلی و بین المللی، تصمیمات متخذه در نهادها و کنفرانس های بین المللی و سازمان ملل متحد به ویژه کمیسیون حقوق بین الملل مورد بررسی قرار می گیرد.

#### ۱. نظرات حقوقدانان

نظرات علمای حقوق بین الملل در مورد صلاحیت دولتها نسبت به رودخانه های بین المللی را می توان به چهار دسته تقسیم کرد: اصل حاکمیت سرزمینی مطلق<sup>۱</sup> - اصل تمامیت ارضی مطلق<sup>۲</sup> - اصل استفاده مشترک از آبها<sup>۳</sup> - اصل محدودیت استفاده آزاد از آبها<sup>۴</sup>.

الف - اصل حاکمیت سرزمینی مطلق: به موجب این اصل، آن قسمت از رود بین المللی که در سرزمین دو کشور جریان دارد به عنوان آبهای داخلی تلقی می شود و دولت مذکور می تواند جریان آب را منحرف سازد و یا به هر صورت که ضروری بداند در رودخانه دخالت نماید. هایتمن در این مورد می گوید: « هر یک از کشورهای ساحلی رودخانه می توانند جهت بهره برداری از آب رودخانه به تنهایی جریان آب رودخانه را منحرف کنند» ( Hayton, 1967:24).

اصل حاکمیت مطلق که به « دکترین هارمون» نیز معروف است در روابط بین دولتها ایجاد هرج و مرج می کند. علاوه بر آن، این اصل برخلاف عدالت و انصاف بوده و به همین جهت مورد انتقاد حقوقدانان قرار گرفته است. به عنوان مثال، فوشیل به تفصیل این مسئله را مورد بررسی قرار داده و تأکید کرده است که کشور ساحلی رودخانه نمی تواند به اقدامی مبادرت

- 1.The Principle of absolute Territorial Sovereignty
- 2.The principle of absolute Territorial integrity
- 3.The Principle of a Community in Waters
4. The Principle of Restricting the Free use of the Waters

کند که منجر به تغییر مسیر رود گردد و یا در جریان آزاد آب رودخانه مانعی به وجود آورد. وی در این مورد می گوید: «هیچ کشور ساحلی نمی تواند محل ورود رود را به سرزمین کشور ساحلی دیگر، بدون رضایت آن کشور تغییر دهد. چنین امری به منزله تغییر سرزمین آن کشور است».

لاتریاقت نیز همین نظر را دارد و هر چند حقوق حاکمیت هر کشور را در حوزه رودخانه در داخل سرزمین خود تأیید می کند ولی هرگونه اقدامی را که موجب وارد شدن خسارت به کشورهای ساحلی دیگر رودخانه شود، غیر قانونی می شمارد. لاتریاقت در این مورد به صراحت اظهار می دارد: «جریان رودهای بین المللی تحت تسلط و اختیار دلخواه هیچیک از دولت های ساحلی رودخانه نیست و براساس اصول حقوق بین الملل، هیچ دولتی اجازه ندارد که وضع طبیعی سرزمین خود را به زیان وضع طبیعی سرزمین دولت همسایه تغییر دهد. به این دلیل، دولت ها نه فقط از متوقف ساختن یا تغییر دادن مسیر رودی که از سرزمین آنها به اراضی دولت همسایه جاری است مجاز نیستند، بلکه استفاده از آب آن به نحوی که برای دولت همجوار زیان داشته باشد یا مانع بهره برداری از رودخانه شود، غیرقانونی است» (Oppenheim, 1955, 474).

به طور کلی اصل حاکمیت مطلق یک کشور بر روی رودخانه، توسط اندیشمندان حقوق بین الملل و دولتها رد شده است. امروزه اصول و مقررات حقوق بین الملل وجود چنین حقی را که کشوری بتواند وضع طبیعی سرزمین خود را به زیان کشور دیگر تغییر دهد نفی می کنند (Caffrey, 2001, 470-5). به موجب این اصول هیچ کشوری نباید جریان طبیعی آب رودخانه ای را که برحسب طبیعت از سرزمین او به سرزمین کشور دیگری جاری است، متوقف یا منحرف سازد و نباید به نحوی که موجب اضرار کشور همجوار شود از آن استفاده کند یا او را از استفاده معمول از آن رودخانه در سرزمین خود بازدارد. دولتها نیز در موارد مختلف با قراردادهایی که میان خود منعقد کرده اند، اصول مذکور را در عمل پذیرفته اند<sup>۱</sup>.

ب. اصل تمامیت ارضی مطلق: به موجب این اصل، دول ساحلی رودخانه ها موظفند که اجازه دهند جریان طبیعی آب رودخانه ها ادامه یابد و به هیچوجه حق ندارند موجبات انحراف آب رودخانه ها را فراهم نمایند (گنجی، ۱۳۴۸: ۲۵۲). ماکس هوبر و اوپنهایم از

۱. قرارداد میان سوئد و نروژ در سال ۱۹۰۵، قرارداد عراق و ترکیه در سال ۱۹۴۶ و قرارداد مودت ایران و شوروی در سال ۱۹۳۱ از این نوع هستند.

طرفداران این اصل هستند. اوپنهیم در این مورد می نویسد: «تغییر دادن جریان آبهای مشترک تحت اختیار یکی از دول مجاور آب نیست. زیرا این یک قاعده بین المللی است که هیچ دولتی نمی تواند وضع طبیعی کشور خود را به نحوی تغییر دهد که موجب زیان کشور مجاور شود. مثلاً جریان آب رودخانه ای را که در کشور همسایه جریان دارد متوقف و یا منحرف نماید.» (Caffrey, 2001, 475). ماکس هوبر نیز با اوپنهیم هم عقیده است و به دولتهایی که به اتکای حاکمیت مطلق بر سرزمین خود به منافع سایر دولتها زیان وارد می کنند تاخته است. به نظر وی هرگونه تغییر مسیر رودها که به حقوق مکتسبه دول دیگر زیان وارد نماید، غیرقانونی است.

ج- اصل استفاده مشترک از آبها: به موجب این اصل، کشورهایی که در ساحل یک رودخانه بین المللی واقع شده اند نسبت به آن رودخانه دارای حق حاکمیت مشترک هستند. به عبارت دیگر، تمام کشورهای مذکور می توانند از آب رودخانه به طور متساوی استفاده کنند (Cheshire, 1962: 293). براساس این اصل یک رودخانه بین المللی - بدون توجه به مرزهای مابین کشورها - یک واحد اقتصادی محسوب شده و آب آن متعلق به تمام کشورهای ساحلی است. (Carreston, 1967, 18) مریگ ناک<sup>۱</sup> در این مورد می گوید که وقتی رودی بین المللی از سرزمین چند کشور می گذرد، تابع حقوق مالکیت و حاکمیت کشورهای مذکور است و هر کشوری در اعمال حقوق خود، باید حقوق سایر کشورها را نیز در نظر داشته باشد.

د- اصل محدودیت استفاده آزاد از آبها: به موجب این اصل، حاکمیت هر یک از کشورهای ساحلی رودخانه با توجه به وظایفی که آنها طبق حقوق بین الملل به عهده دارند، محدود است. به عبارت دیگر، حاکمیت هر یک از کشورهای ساحلی رودخانه محدود به وارد نکردن خسارت به کشور ساحلی دیگر است. اسمیت حقوقدان انگلیسی که تحقیقات گسترده ای در این مورد انجام داده معتقد است که حاکمیت و صلاحیت ملل، محدود به وارد نیابوردن خسارت می باشد. وی اظهار می دارد که هیچیک از دول ساحلی رودخانه حق ندارند از آب رودخانه بدون مشورت با دول مجاور به طریقی استفاده کنند که موجب وارد آمدن خسارت به منافع قانونی دول مذکور گردد (Smith, 1951: 159). کاراتدوری<sup>۲</sup> یکی دیگر از حقوقدانان،

1. Merig Nhac

2. Carathedory

معتقد است که دولتها هیچگونه دخالتی در پیدایش رودها نداشته اند و بنابراین نمی توانند بر آن حاکمیت مطلق داشته باشند و با تغییر مسیر آن موجبات وارد آوردن ضرر و خسارت به دول دیگر را فراهم آورند. (Dellapenna, 2003).

امروزه اصل محدودیت استفاده آزاد از آبها به عنوان یک اصل کلی حقوقی و یک واقعیت جهان کنونی پذیرفته شده است. بررسی قراردادهای بین المللی، عقاید علمای حقوق بین الملل، احکام دادگاه های بین المللی و تصمیمات متخذه توسط سازمانهای بین المللی بیانگر آن است که دولتها دیگر به هیچوجه اصل حاکمیت ارضی مطلق را قبول ندارند و در مورد رودخانه های بین المللی براساس اصل محدودیت استفاده از آبها رفتار می کنند. در قسمتهای بعدی، احکام صادره از دادگاه های بین المللی و تصمیمات متخذه توسط سازمانهای بین المللی را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

## ۲- رویه های قضایی

رویه های قضایی داخلی: گرچه رودهایی که از دو یا چند ایالت یک کشور می گذرند در زمره رودهای بین المللی محسوب نمی شوند، لکن با توجه به اینکه آراء صادره از محاکم داخلی مشابه با آراء قضایی بین المللی است، اشاره مختصری به این آراء بی فایده نخواهد بود به ویژه که این آراء در تصمیمات سازمانهای بین المللی بی تأثیر نبوده است. در اینجا به چند رأی صادره از دادگاه عالی فدرال سوئیس، دیوان عالی ایالات متحده امریکا و دیوان عالی آلمان اشاره خواهیم کرد.

شاید یکی از نخستین آرای که در مورد انحراف آب رودخانه ها در کشورهای اروپایی صادر شده مربوط به کشور سوئیس باشد. دادگاه عالی فدرال سوئیس در اختلافی که بین کانتون زوریخ و کانتون شاف هازن - دوکانتون از کشور سوئیس - در این مورد به وجود آمده بود، طی رای مورخ ۱۲ ژانویه ۱۸۷۸ خود انحراف آب رودخانه ها را غیرقانونی اعلام نموده است.

اما در این مورد آراء صادره از دیوان عالی ایالات متحده امریکا بسیار جالب توجه است. دعوی ایالت کانزاس علیه ایالت کلرادو که در سال ۱۹۰۱ در دیوان عالی ایالات متحده امریکا مطرح شد، نخستین دعوی در مورد انحراف آب رودخانه ها در ایالات متحده امریکا بود که در دیوان مذکور مورد رسیدگی قرار گرفت. مورد اختلاف مربوط به رودخانه آرکانزاس بود که بین دو ایالت مذکور جریان دارد. ایالت کانزاس به طرفیت ایالت کلرادو در مورد

انحراف آب رودخانه آرکانزاس به دیوان عالی ایالات متحده آمریکا شکایت کرد. دادگاه در سال ۱۹۰۷ اعلام نمود که اصل تساوی حقوق و انصاف بین دو ایالت «آنها را از دخالت در جریان آب رودخانه باز می دارد» (Warth, 1940: 580-81). این رأی در حقوق بین الملل به صورت سابقه در آمده و در موارد بسیاری توسط حقوقدانان مورد استناد قرار گرفته است. (Khadduri, 1975: 109).

همچنین دیوان عالی ایالات متحده آمریکا در اختلاف بین ویومینگ و کلرادو - دو ایالت از ایالات متحده آمریکا - در سال ۱۹۲۲ اعلام کرد: « ادعای ایالت کلرادو مبنی بر اینکه حق دارد با توجه به اینکه یک ایالت به شمار می رود ، بنابر تشخیص خود و بدون توجه به زیانی که در نتیجه اعمال خود متوجه دیگران می شود، آبهایی را که در سرزمینش جاری است تغییر مسیر دهد و از آن بهره برداری کند، مسموع نیست». این رأی در دعوای ایالات کانکتیکوت<sup>۱</sup> به طرفیت ماساچوست در سال ۱۹۳۰ و در بسیاری موارد دیگر مورد استناد قرار گرفته و امروزه به صورت یک قاعده حقوق بین الملل مورد پذیرش عموم واقع شده است (Simsarian, 1958: 488-518).

مسئله انحراف آب رودخانه ها در دیوان عالی آلمان نیز مطرح شده است. دیوان عالی آلمان در سال ۱۹۲۷ در دعوای بین ایالت ورتمبرگ برایالت بادن - دو ایالت از جمهوری آلمان - مورد انحرافی که در مورد جریان آب رودخانه توسط ایالت بادن صورت گرفته بود، اعلام کرد: « دولتها باید به جریان طبیعی آب تن در دهند و هر دولت ساحلی وظیفه دارد که منافع سایر دولتها را مراعات نماید و به آنها زیانی وارد نکند.» (Carretson, 1967, 19).

رویه قضائی بین المللی: دولت آلمان در نامه ای به وزرای مختار خود در لندن و پاریس در سال ۱۸۶۲ در مورد رودخانه موز<sup>۲</sup> می نویسد: «این رودخانه بین هلند و بلژیک مشترک است و هر یک از این دولتها در بهره برداری از آب این رودخانه حق دارند، اما در این مورد هر دو دولت موظفند از انجام اقداماتی که موجب زیان به دولت دیگر گردد، اجتناب کنند» (Carretson. 1967, 25).

---

1. Connecticut

2. Meuse

دیوان دائمی دادگستری بین المللی نیز در مورد انشعاب آبهای رودخانه موز در رای مورخ ۲۸ ژوئن ۱۹۳۷ خود، مداخلاتی را که در مورد انشعاب آبهای این رودخانه بدون موافقت دولتی بلژیک و هلند صورت گرفته بود، غیرقانونی اعلام کرد. بر طبق این حکم هر دو دولت موظف شدند اقدامی مغایر با روح کنوانسیون ۱۸۶۳ منعقد شده بین هلند و بلژیک انجام ندهند. رود موز از فرانسه سرچشمه می گیرد و پس از عبور از کشورهای هلند و بلژیک به دریای شمال می ریزد (فرشاد گهر، ۱۳۶۷: ۳۵-۱۳۴). همچنین دیوان عالی آلمان در اختلاف مربوط به رود دانوب در رای مورخ ۱۸ ژوئن ۱۹۲۷ خاطر نشان نمود که هیچ دولتی حق ندارد با استفاده از آبهای یک مجرای طبیعی آب، به منافع دولت دیگر زیان و خسارت وارد سازد. بطور کلی رویه قضایی بین المللی، دو اصل اساسی زیر را در مورد تغییر مسیر رودخانه های بین المللی مورد تاکید قرار داده است:

- ۱- هیچ دولتی حق ندارد در سرزمین خود، بدون مشورت با دولت های دیگر و بدون مذاکره با آنها برای یافتن راه حلهای معقول، اقدام به تغییر مسیر رودها نماید.
- ۲- هر دولتی که به نحوی در جریان آب رودخانه دخالت کند و سبب وارد شدن خسارت به دولت دیگر شود، مسئول خسارات وارده خواهد بود (Dellpanna, 2009).

### ۳. تصمیمات متخذه در نهادها و کنفرانسهای بین المللی

• انستیتوی حقوق بین الملل: این انستیتو در مورد محدودیت حق حاکمیت کشورها بر آب رودخانه های بین المللی تاکید نموده و معتقد است که هیچ دولتی نمی تواند بدون جلب موافقت دولت یا دولت هایی که در استفاده از آب رودخانه سهیم هستند، مسیر رود را تغییر دهد و موجب وارد شدن خسارت به دول ساحلی دیگر شود. این انستیتو در اجلاس سال ۱۹۱۱ خود در مادرید تصریح نمود:

« هیچ دولتی نمی تواند بدون جلب رضایت دولت دیگر و بدون کسب مجوز قانونی مخصوص و معتبر توسط شرکتها یا اشخاص، تغییراتی در رودخانه به وجود آورد و یا از انجام چنین اقداماتی جلوگیری نکند و سبب وارد شدن خسارت به دولت دیگر گردد. هیچ دولتی حق ندارد به طور مستقیم یا غیر مستقیم توسط اشخاص یا شرکتها در سرزمین خود به نحوی از آب رودخانه بهره برداری کند که به بهره برداری مستقیم یا غیر مستقیم دولتهای دیگر زیان برساند.» (Institute of int'l Law, Yearbook, 1911.vol.24,p.365).

این مؤسسه همچنین می افزاید: «بستر رودخانه که در مرزهای دو کشور جاری است، چه طبیعی باشد و چه در زمانی غیر معلوم ایجاد شده باشد، به وسیله سازمانهای هیچیک از دو دولت، بدون جلب رضایت دیگری، قابل تغییر نیست.» (Ibid). انستیتوی حقوق بین الملل همچنین در کنفرانس سالزبورگ طرحی در مورد «بهره برداری غیر کشتیرانی از آبهای بین المللی» در سال ۱۹۶۱ ارائه کرد که در ماده ۴ آن گفته شده است: «بهره برداری دول از آب رودخانه ها نباید به نحوی باشد که موجب وارد شدن زیان و خسارت به دول دیگر گردد.» در این ماده اضافه شده است: در صورتی که دولتی با انجام چنین اقداماتی به دولت دیگر خسارت وارد نماید باید غرامت آن را بپردازد. (Colombos,1964,230).

اعلامیه مخته ویدئو ۱۹۳۳: در این اعلامیه تأکید شده که حق بهره برداری از آب رودخانه مشروط بر آن است که موجب وارد شدن خسارت به دولت ساحلی دیگر نشود. در این اعلامیه اضافه شده است: مسیر هیچ رودی را که موجب وارد شدن خسارت به دولتی دیگر گردد نمی توان بدون جلب موافقت آن دولت تغییر داد. این اعلامیه در واقع، اصل محدودیت استفاده آزاد از آنها را مورد تأیید قرار داده است.

مؤسسه حقوق بین الملل: این مؤسسه از زمان جنگ جهانی دوم تلاش های گسترده ای در جهت تنظیم اصل ممنوعیت انحراف آب رودخانه ها به عنوان یک قاعده حقوق بین الملل به عمل آورده است. نتیجه بررسیها و مطالعات این مؤسسه در کنفرانس هلسینکی در اوت ۱۹۶۶ تحت عنوان «مقررات مربوط به بهره برداری از رودهای بین المللی» مورد تصویب قرار گرفت که به مقررات هلسینکی نیز معروف است. به موجب این مقررات اگر دولتی مسیر رودهای بین المللی را به زیان دولتی دیگر تغییر دهد، مسئول کلیه اعمال خود خواهد بود. همچنین اگر دولتی در نظر داشته باشد که طرحهای جدیدی را در رودخانه به مورد اجرا گذارد و یا تغییراتی در آن بدهد که به زیان دولت های دیگر باشد، باید قبلاً با آن دولت ها مذاکره کرده، موافقت آنها را جلب نماید. در صورت عدم جلب موافقت دولت دیگر، اقدامات یکجانبه انجام شده توسط دولت مذکور ایجاد هیچگونه حقی برای آن دولت نمی کند (Wortly,1960: 596-602). بموجب موافقتنامه بین المللی هلسینکی:

۱. همه کشورهای واقع در مسیر رودخانه نسبت به بهره برداری از آب حق مساوی دارند،
۲. هیچ کشوری حق استفاده از آب رودخانه را در صورتی که ضرری متوجه کشور دیگر واقع در مسیر شود، ندارد؛

۳. تمام کشورها موظف اند که اطلاعات و آمارهای خود را به طور مرتب در اختیار دیگران قرار داده و برنامه های خود را به اطلاع آن ها برسانند. کشورهای اروپایی مقررات این موافقتنامه را رعایت کرده و بر اساس آن بیش از ۱۰۰ قرارداد تقسیم آب بین خود امضاء کرده اند (سیاست خارجی، ۱۳۷۳: ۷۵-۵۷۴).

قطعهنامهٔ مربوط به اصول حقوقی حاکم بر مصرف آبها و دریاچه های بین المللی مصوب اتحادیهٔ لنگرگاه های داخل امریکا در بوئنوس آیرس در سال ۱۹۵۷ و نیز طرح کنوانسیون مربوط به مصرف صنعتی و کشاورزی رودخانه ها و دریاچه های بین المللی مصوب سازمان کشورهای امریکایی در سال ۱۹۶۵ صراحت دارد که هیچ کشوری حق ندارد به طور یکجانبه به تهیهٔ طرح و اجرای پروژه ها بر روی این نوع رودخانه ها بپردازد و بدون جلب نظر و توافق با سایر دولتهای ذینفع در این مورد اقدامی به عمل آورد مگر اینکه کلیهٔ عواقب ناشی از اجرای اینگونه طرحها را تقبل نماید، و در این صورت، سایر کشورهای ذینفع هیچگونه تعهد و الزامی نسبت به کشور مذکور نخواهند داشت (وزارت امور خارجه، ۱۳۶۲، ص ۱۷).

همچنین در کنفرانس «نقش آب در همگرایی و توسعه کشورهای خاورمیانه» که با حضور کشورهای خاورمیانه، اتحادیه اروپا و آمریکا در سال ۱۹۹۴ در آنکارا برگزار شد، گفته شده: «چگونگی بهره برداری مشترک از آب رودخانه هایی که در منطقه خاورمیانه از کشوری به کشور دیگر جاری است می تواند هم به عنوان عنصری برای ایجاد دشمنی و هم به عنوان ابزاری در جهت گسترش روابط میان کشورها مورد بهره برداری قرار گیرد و در صورت نرسیدن این کشورها به تفاهم در مورد چگونگی بهره برداری مشترک از این آب ها، در آینده مشکلاتی در روابط میان آنها پدید خواهد آمد».

#### ۴- اقدامات سازمان ملل متحد

در سال ۱۹۷۲، مجمع عمومی سازمان ملل متحد حق حاکمیت دولتها بر بهره برداری از منابع آب خودشان را تصویب کرد؛ مشروط بر این که به حوزه های فراتر از حدود صلاحیت قضایی ملی آسیب وارد نسازد (اعلامیه استکهلم) کنفرانس آب ۱۹۷۷ سازمان ملل متحد در ماردل پلاتا نیز بر همکاری بین کشورهای حوزه رودخانه براساس «مساوات، حاکمیت و تمامیت ارضی تمامی کشورها» تاکید کرده است (ایزدی، ۱۳۷۲: ۱۴۳).

کمیسیون حقوق بین الملل سازمان ملل متحد نیز در مورد استفاده غیر کشتیرانی از رودخانه ها اصولی را وضع کرده است. از جمله طرح مربوط به «آبراههای بین المللی» و

«کشورهای حاکم بر این آبراهها» در سال ۱۹۹۱ می باشد. طبق این طرح دولتها باید از منابع آب «به شیوه ای منصفانه و معقول» برای دستیابی به «بهره برداری بهینه از آنها» استفاده نمایند، و براساس منافع متقابل و حفاظت اکولوژیکی با یکدیگر همکاری کنند، هیچ ترکیب متقاعد کننده ای از مقررات بین المللی بر اثر این مشاوره ها پدید نخواهد آمد و چنین مقرراتی را تنها در صورت تصویب دولتها می توان به اجرا گذاشت (همان). آخرین اقدام کمیسیون حقوق سازمان ملل تصویب کنواسیون استفاده های غیر کشتیرانی از آبراه های بین المللی در سال ۱۹۹۷ است که در زیر مورد بررسی قرار می گیرد:

دولت فنلاند از کمیسیون حقوق بین الملل درخواست نموده بود تا با بهره برداری از آب رودهای مشترک را در دستور کار خود قرار دهد. کمیسیون حقوق بین الملل پس از ۲ سال طرحی را در ۲۲ اصل به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه کرد. مجمع عمومی بررسی این طرح را به کمیته ۶ مجمع عمومی یعنی کمیته حقوقی واگذار نمود. این کمیته نیز سرانجام کنوانسیون نیویورک را در سال ۱۹۹۷ در ۳۷ ماده برای امضاء و الحاق به آن آماده کرد.<sup>۱</sup> در ماده ۵ کنوانسیون بر اصل استفاده معقول و منصفانه از آبراه ها تاکید شده است. ماده ۶ شاخص های استفاده معقول و منصفانه را بشرح زیر بر شمرده است:

- نیازهای اقتصادی و اجتماعی کشورهای کناره آبراه؛
- میزان جمعیت ساکن در کناره آبراه در هر یک از کشورهای واقع در کناره آبراه؛
- تاثیراتی که استفاده یا استفاده های یک کشور آبراهی بر کشور دیگر آبراه بر جای می گذارد؛
- استفاده های بالفعل و بالقوه از آبراه ها؛
- هزینه هایی که یک کشور آبراهی برای نگهداری و توسعه آبراه به منظور استفاده بهینه و اقتصادی از منابع آب آبراه صرف می کند.

در ماده ۷ کشورهای آبراهی از انجام اقداماتی در خاک خود که موجب وارد شدن خسارت های شدید به کشور دیگر شود، منع شده اند. در ماده ۲۰ گفته شده که کشورهای آبراهی به طور انفرادی و یا در صورت لزوم به طور مشترک اکوسیستم آبراه را حفظ خواهند کرد. ماده

۱. برای سوابق فعالیت کمیسیون حقوق بین الملل سازمان ملل در زمینه تدوین این کنوانسیون بنگرید به: U.N. The Work Of The International Law Commission, 1th ed. Vol. 1., 2005.

۲۱ نیز اشاره به جلوگیری از آلودگی آبراه دارد. بر طبق این ماده کشورها موظف اند از آلوده کردن آبراه که ممکن است به کشور دیگر خسارت وارد کند، اجتناب نمایند.<sup>۱</sup> این کنوانسیون هنوز به مورد اجرا در نیامده است<sup>۲</sup> برای اجرا شدن نیاز به تصویب ۳۵ کشور دارد که تا ۲۰۰۸ فقط ۱۶ کشور آن را تصویب کرده اند<sup>۳</sup> جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون ملحق نشده است. بنابراین آنچه در حال حاضر در مورد رودهای مرزی ایران و عراق حاکم است، موافقتنامه منعقد شده بین دو کشور در مورد استفاده از آب در سال ۱۹۷۵ است که در زیر مورد بررسی قرار می گیرد.

#### موافقتنامه ۱۹۷۵ ایران و عراق در مورد استفاده از آب

به طوری که گفته شد ایران در جریان مذاکرات با عراق در مورد بهره برداری از آب رودخانه های مرزی، همواره بر اصول حقوق بین الملل تأکید می کرد. البته دولت ایران معتقد بود و در مذاکرات پافشاری می کرد که کلیه اختلافات دو کشور به طور یکپارچه و یکسره<sup>۴</sup> حل و فصل شود. به همین دلیل در سال ۱۹۷۵ که شرایط برای حل و فصل اختلافات دو کشور فراهم شد، تمام مسائل مورد اختلاف مورد مذاکره قرار گرفت و تمام آن ها بموجب موافقتنامه هایی که بین دو کشور به امضاء رسید و از تصویب مراجع ذی صلاح دو کشور گذشت، حل و فصل شد. در این سال یک عهدنامه، یک الحاقیه، ۳ پروتکل، و ۴ موافقتنامه بین دو کشور به امضاء رسید.<sup>۵</sup>

---

1.U.N. Convention On The Law of The Non-Navigational Uses of International Watercourses 1997. Copyright Of United Nations 2005.

General Assembly Resolution 5/229, Annex, Official Recordes of The General Assembly, Fifty- First Session, No. 49(A/51/49)

Http. //en wikipedia. org. Wili Convention on The Law of Navigationl Uses of International Watercourses.

2. General Assembly Resolution 5/229, Annex, Official Recordes of The General Assembly, Fifty- First Session, No. 49(A/51/49)

3.Http. //en wikipedia. org. Wili Convention on The Law of Navigationl Uses of International Watercourses.

4. Package Deal

۵.قراردادهای منعقد شده در سال ۱۹۷۵ عبارتند از: عهدنامه مربوط به مرز دولتی و حسن همجواری بین ایران و عراق، پروتکل راجع به علامت گذاری مجدد مرز زمینی بین ایران و عراق، پروتکل راجع به تعیین مرز رودخانه ای بین ایران و عراق، پروتکل مربوط به امنیت در مرز بین ایران و عراق، موافقتنامه بین ایران و عراق راجع به مقررات مربوط به کشتیرانی در اروندرود، موافقتنامه راجع به تعلیف احشام، موافقتنامه راجع به کلانتران مرزی و موافقتنامه راجع به استفاده از آب رودخانه های مرزی

یکی از این موافقتنامه مربوط به استفاده از آب رودخانه های مرزی بین دو کشور است. این موافقتنامه که در ۲۶ دسامبر ۱۹۷۵ به امضا رسید شامل یک مقدمه و ۷ ماده است. در ماده یک موافقتنامه رودخانه های مرزی بین دو کشور به دو دسته تقسیم شده است، یکی رودخانه های محاذی که در امتداد خط مرزی بین دو کشور جریان دارد و دیگری رودخانه های متوالی که خط مرزی دو کشور، آن را قطع می کند. در ماده ۲، آب های رودخانه های بناواسوته، قوره تو و کنگیر به دو سهم مساوی بین دو کشور تقسیم شده است. همچنین بموجب این ماده آب های رودخانه های الوند، کنجان چم، تیب (میمه) و دویرج براساس صورتجلسات کمیسیون تحدید حدود ایران و عثمانی مورخ ۱۹۱۴ و عرف تعیین خواهد شد. آب سایر رودخانه های محاذی و متوالی نیز براساس این موافقتنامه تقسیم خواهد شد.

بموجب ماده ۳، دو کشور یک کمیسیون دائمی فنی مختلط متشکل از تعداد مساوی از کارشناسان دو کشور تشکیل خواهند داد. وظیفه این کمیسیون انجام مطالعات و نظارت بر مسایل مربوط به رودخانه های محاذی و متوالی است. این مطالعات شامل تنظیم طرحهای مشترک، ایجاد تأسیسات و ایستگاه های هیدرومتریک (اندازه گیری آب) یا تکمیل تأسیسات و ایستگاه های موجود خواهد بود.

براساس ماده ۴، کمیسیون یاد شده، امکانات استفاده بهتر از رودخانه های محاذی و متوالی را بررسی خواهد نمود. برای این منظور، طی یک سال هیدرولوژیک (آب شناسی) سهمی را که از آب رودخانه های الوند، کنجان چم، تیب و دویرج به هر یک از طرفین تعلق می گیرد را تعیین خواهد نمود. این کمیسیون مناسب ترین ترتیبات برای استفاده بهتر از آب سایر رودخانه های مرزی محاذی و متوالی را مورد بررسی قرار خواهد داد.

به موجب ماده ۵، دو کشور متعهد شده اند جریان طبیعی آب های موجود در رودخانه های محاذی و متوالی را طبق ترتیبات تقسیم مقرر در این موافقتنامه تأمین نمایند. همچنین از استفاده از رودخانه های محاذی و متوالی برای مقاصدی که مغایر با این موافقتنامه بوده و یا به منافع طرف دیگر لطمه وارد می کند، خودداری نمایند.

در ماده ۶ نیز گفته شده که در صورت بروز اختلاف نسبت به تفسیر یا اجرای این موافقتنامه، دو کشور اختلاف را طبق ترتیبات پیش بینی شده در ماده ۶ عهدنامه مربوط به مرز دولتی و حسن همجواری بین ایران و عراق مورخ ۱۳ ژوئن ۱۹۷۵ حل و فصل خواهند نمود. به این ترتیب که اختلاف در مرحله اول طی مهلت دو ماه از تاریخ درخواست یکی از طرفین، از طریق مذاکرات مستقیم دو جانبه بین طرفین حل و فصل خواهد شد. در صورت عدم

توافق، دو کشور ظرف مدت ۳ ماه به مساعی جمیله یک دولت ثالث دوست متوسل خواهند شد و در صورت خودداری یکی از طرفین از توسل به مساعی جمیله یا عدم موفقیت مساعی جمیله، اختلاف طی مدت یکماه پس از آن از طریق داوری حل و فصل می گردد.

در راستای اجرای مفاد این موافقتنامه، اولین جلسه کمیسیون دائمی فنی مختلط در آوریل ۱۹۷۷ در تهران و دومین جلسه آن در نوامبر ۱۹۷۷ در بغداد تشکیل شد. کمیسیون در این جلسات با تشکیل کمیته های فرعی مشترک صحرائی برای رودخانه های گروه A, B, C موافقت نمود. کمیسیون همچنین راجع به مجلس ایستگاه اندازه گیری و نحوه تقسیم آب رودخانه های گروه A، تصمیماتی را اتخاذ کرد. اما تصمیم گیری در مورد تعیین میزان سهم بری هر یک از دو کشور از آب رودخانه های گروه B, C را موکول به اجلاس سوم خود در فوریه ۱۹۷۸ در تهران نمود که به دلیل اوضاع سیاسی آن زمان، تشکیل جلسه یاد شده امکان پذیر نشد.

با این وجود، کمیسیون در اولین اجلاس خود ملاک ها و معیارهایی را برای تقسیم و استفاده بهینه از آب این رودخانه ها تصویب کرد که همچنان معتبر است<sup>۱</sup>. کمیسیون همچنین مقرر نمود که کمیته های فرعی مربوط به رودخانه های گروه B و C در مورد تقسیم آب این رودخانه ها براساس معیارها و ملاک های یاد شده در مدت یکسال اقدام نموده و گزارشات خود را برای اقدامات بعدی به کمیسیون دائمی ارائه نمایند (اطلاعات، ۲۱ و ۲۸ بهمن ۱۳۸۸، ۱۲).

**ارزیابی موافقتنامه ۱۹۷۵:** به طوری که گفته شد طبق ماده ۲ موافقتنامه، آب رودخانه های بناواسوته، قوره تو و کنگیر میان دو کشور به طور مساوی تقسیم خواهد شد. به نظر می رسد

۱. این معیارها عبارتند از:

- بازدید مسیر رودخانه؛
- تشخیص محل های انشعاب آب در هر طرف؛
- اندازه گیری آب رودخانه قبل از انشعاب؛
- مطالعه هیدرولوژی هر یک از رودخانه ها؛
- تعیین مساحت اراضی آبیاری شده؛
- تعیین برنامه های زراعی؛
- تعیین تاریخ اجرای زراعت آبی؛
- تعیین روش های آبیاری؛
- تعیین تبخیر و تعریق و مصرف مفید آب؛
- بررسی (بازدید) تاسیسات موجود مربوط به آب؛
- ارزیابی ظرفیت توسعه آبی منابع آب؛

ایران در این مورد بسیار بذل و بخشش نموده است. زیرا حقوق بین الملل در مورد تقسیم آب رودخانه ها بر اصول منصفانه و عادلانه بودن تاکید دارد (ضیایی بیگدلی، ۱۳۷۹: ۳۳۵). با توجه به اینکه وسعت ایران ۴ برابر عراق و جمعیت آن بیش از ۳ برابر عراق است و از سوی دیگر میانگین بارندگی در ایران یک سوم عراق است، بنابراین اصل انصاف و عدالت در تقسیم آب این رودخانه ها در نظر گرفته نشده است. زیرا با توجه به این مساله باید سهم ایران از آب این رودخانه ها حداقل ۳ برابر عراق باشد. این نحوه تقسیم آب عملاً در مورد رود هیرمند اعمال شده است. بموجب رای مورخ ۱۰ آوریل ۱۹۰۵ مک ماهون یک سوم آبدهی این آبراه یعنی ۴۵ متر مکعب در ثانیه به ایران اختصاص یافت. با اینحال افغانستان این میزان آب را هم مراعات نکرد. تا اینکه بموجب موافقتنامه تقسیم آب هیرمند در ۱۳ مارس ۱۹۷۳، میزان سهم ایران ۲۲ متر مکعب در ثانیه در نظر گرفته شد که نصف میزان آبی بود که مک ماهون برای ایران در نظر گرفته بود (فخاری، ۱۳۷۱: ۷۴).

به طور کلی در ارزیابی این موافقتنامه باید گفت که فقط ناظر به بهره برداری از آب رودخانه ها در امر کشاورزی است. این مساله هم طبیعی است، زیرا با توجه به اینکه ایران و عراق در منطقه خشک واقع شده و با کمبود آب روبرو هستند، استفاده از منابع آب رودخانه ها برای کشت و زرع اولویت نخست هر دو کشور است.

به همین دلیل در این موافقتنامه ذکری از مسایل دیگر مانند، ماهیگیری، تخلیه فصولات صنعتی، کشاورزی و خانگی به رودخانه ها و سد سازی و دیواره سازی به منظور تنظیم و سامان دهی آب بمیان نیامده است. در برخی موافقتنامه های منعقد شده بین کشورها از جمله موافقتنامه ۱۹۵۸ شوروی و افغانستان، مقرراتی در مورد نحوه ماهیگیری پیش بینی شده است. مساله آلودگی رودخانه ها و حفاظت محیط زیست نیز در بسیاری از موافقتنامه ها مطرح شده و کشورها مکلف شده اند که از آلودگی رودخانه ها جلوگیری نمایند<sup>۱</sup>. همچنین در بسیاری از موافقتنامه ها مقرراتی در خصوص احداث سد برای تنظیم آب های جاری دیده می شود. در این مورد می توان به موافقتنامه منعقد شده بین ایران و شوروی در مورد رود ارس اشاره کرد. هدف از این مقررات، حداکثر استفاده از آب و نیز مهار و مبارزه با آثار زیان بار آن به هنگام سیل است. از سوی دیگر ایران و عراق زمانی که بیشترین نیاز را به آب برای کشاورزی دارند،

۱. در مورد حفاظت محیط زیست رودخانه ها بنگرید به :

معمولاً هنگامی است که از حجم بارندگی کاسته شده و جریان آب رودخانه ها کاهش می یابد. لذا احداث سد و ذخیره سازی آب بهترین چاره در این گونه موارد است. همچنین مطابق ماده ۶ کنوانسیون کارس ایران و عراق می توانند برای جلوگیری از فرسایش و انهدام کناره های رودخانه ها، سنگ چین و دیواره هایی بنا کنند، مشروط به اینکه طرف دیگر را آگاه نمایند. در ماده ۷ موافقتنامه آب هیرمند نیز پیش بینی شده که به منظور استحکام بستر رود، هر نوع تاسیساتی که لازم باشد، بعد از موافقت طرفین ایجاد خواهد شود. مطابق با مواد ۹ و ۱۰ قرار داد ۱۹۵۷ ایران و شوروی راجع به انتظامات مرزی، برای حفظ کرانه ها از خرابی، در صورت موافقت طرفین، رودخانه های مرزی کرانه بندی خواهند شد.

استفاده دیگر از رودهای مرزی، تولید برق از نیروی آب است. در خاورمیانه تنها دو قرار داد در این مورد به امضاء رسیده که یکی مربوط به رود یرموک بین سوریه و اردن و دیگری مربوط به رود ارس میان ایران و روسیه است. براساس قرار داد ۱۹۵۷، ایران و شوروی موافقت خود را با ایجاد تاسیسات هیدرولیکی بر روی رود ارس اعلام کردند. این تاسیسات در سال ۱۹۶۳ آغاز و در سال ۱۹۷۱ به پایان رسید. این تاسیسات ۴۴۰۰ کیلو وات برق تولید می کند که به طور مساوی بین دو کشور تقسیم می شود (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۵: ۳۲۵).

به طوری که گفته شد در موافقتنامه بسته شده میان ایران و عراق هیچیک از این مسایل مطرح نشده است. تنها در ماده ۳ به طور مبهم و خیلی کلی فقط به طرح های مشترک دو کشور و ایجاد تاسیسات اشاره شده است که احتمالاً منظور همان تاسیسات مربوط به اندازه گیری آب است.

### سخن پایانی

اختلاف در مورد استفاده از آب رودخانه های مرزی در منطقه خاورمیانه را نمی توان بدون توجه به مسایل تاریخی و روابط سیاسی دولت ها مورد بررسی قرار داد. براین اساس اشاره به چند نکته در مورد ارزیابی روند حقوقی بهره برداری از آب رودخانه های مشترک ضروری می نماید:

۱. همه موافقتنامه ها در خاورمیانه به گونه دو جانبه بوده و تاکنون حتی یک کنوانسیون یا موافقت نامه چندجانبه در مورد بهره برداری از آب حوزه های آبی مشترک پا نگرفته است. به همین دلیل قواعد عرفی در حد تئوری باقی مانده و تاکنون هیچگاه کشورها این امکان را نیافته اند که توانایی خود را در حل مسائل چند جانبه در زمینه آب بیازمایند.

۲. تاکنون در زمینه ترتیبات بین المللی و ایجاد تشکیلات حقوقی مناسبی که به عنوان یک مرجع حقوقی بین المللی در خاورمیانه بتواند به گونه فراگیر مسائل مربوط به چگونگی بهره برداری از آب حوزه های آبرگیر مشترک میان چند کشور را بررسی و حل و فصل کند، اقدام جدی به عمل نیامده است.

۳. براساس مقررات و اصول حقوق بین الملل، انحراف جریان آب رودخانه ها توسط دولت بالا دست رودخانه به زیان دولت پایین دست رودخانه ممنوع است و «هیچ دولتی اجازه ندارد شرایط طبیعی سرزمین خود را به زیان دولت همسایه خود تغییر دهد» (Hall, 1924: 175). به موجب مقررات حقوق بین الملل، دولتی که با دولتی دیگر ساحل نشین یک رودخانه است، نسبت به طرحی که ممکن است موجب وارد شدن خسارت و زیان به او گردد، حق وتو دارد. چنین دولتی حق دارد با هر تغییری که در وضع موجود در رودخانه صورت بگیرد، مخالفت کند. یکی از موارد کاربرد این نظریه، در دعوای بین بولیوی و شیلی در مورد رودخانه مامور<sup>۱</sup> در سال ۱۹۲۱ بود.

۴. رفتار ایران در مورد رودخانه مرزی طبق مقررات بین الملل بوده است. دولت ایران هم در نظر و هم در عمل پایبندی خود را به این مقررات نشان داده است. بر همین اساس در سال ۱۹۷۵ قراردادی برای تقسیم آب رودخانه های مرزی با عراق امضاء کرده است، این قرار داد کاملاً به نفع عراق و به زیان ایران منعقد شده است.

۵. ایران، اقدامی برخلاف موافقتنامه مربوط به بهره برداری از آب رودخانه های مرزی منعقد شده در سال ۱۹۷۵ انجام نداده است. در واقع عراق به علت استفاده نادرست از آب منجمله آبیاری به شیوه غرقابی و عدم بازسازی سدها و کانال های انتقال آب که در جریان حمله آمریکا به این کشور آسیب دید، ادعا می کند که با کمبود آب روبرو است. در حالیکه اگر به نحو صحیح از منابع آبی خود استفاده کند و سدها و کانال های انتقال آب را بازسازی نماید، مساحت زیر کشت این کشور دو برابر خواهد شد (وزارت امور خارجه ایران، ۱۳۵۵صص ۶۷). عراق همچنین ادعا می کند که با خشکسالی روبرو است و از این رو انتظار دریافت آب بیشتر از ایران را دارد<sup>۲</sup>. جالب آنکه عراق خواستار استفاده از آب رودهایی است که اساساً مرزی نیستند و در چارچوب موافقتنامه ۱۹۷۵ نمی گنجد. عراق

#### 1. Mamore

۲. در طی دیدار وزیر آب عراق از ایران در آبان ۱۳۸۸ ایران اعلام آمادگی کرد تا در زمینه انتقال آب شرب بسته بندی شده با عراق همکاری نماید (روزنامه ایران، ۶ آبان ۱۳۸۸).

خواستار دریافت آب از رودخانه های کرخه و کارون است<sup>۱</sup> عراق ادعا می کند که بصره با خشکی روبرو است. در حالیکه ایران نیز با کمبود بارش روبرو می باشد. ایران مسیر رودخانه های مرزی را تغییر نداده کاری که عراق در نظر داشت بعد از تحمیل ۸ سال جنگ به ایران انجام دهد. رفتار ایران در مورد استفاده از آب رودخانه های مرزی مطابق با موازین حقوق بین الملل بوده و به هیچوجه از میزان آب وارده به عراق نکاسته و موجب وارد شدن خسارت به این کشور نشده است. در حال حاضر نیز کمیسیون پیش بینی شده در ماده ۳ موافقتنامه مربوط به استفاده از آب رودخانه های مرزی تشکیل شده تا سهم هر یک از دو کشور را از آب این رودخانه ها تعیین نماید.

۶. اما اینکه رفتار ایران همواره یک طرفه و به نفع عراق بوده و هست، باید تغییر کند. ایران بعد از جنگ ۸ ساله که سازمان ملل عراق را متجاوز اعلام نمود، مسأله دریافت غرامت از این کشور را به طور جدی دنبال نکرد. سازمان ملل خسارت وارده به ایران را حدود ۹۷ میلیارد دلار اعلام نمود در حالیکه ایران اعلام کرد خسارت وارده ۱۰۰۰ میلیارد دلار است. عدم پیگیری مطالبات ایران سبب شد تا عراق پیشدستی نموده و عهدنامه ۱۹۷۵ مربوط به مرز دولتی و حسن همجواری بین دو کشور را زیر سؤال برد. اگر ایران همچنان که براعتبار عهدنامه مذکور پافشاری می کند، برای دریافت خسارت از عراق نیز اصرار می ورزید، جلال طالبانی رئیس جمهوری عراق به خود اجازه نمی داد سخنانی نسنجیده در مورد عهدنامه ۱۹۷۵ بر زبان آورد که بعد ناگزیر شود آن را تکذیب کند (جعفری ولدانی، ۱۳۸۷: ۵۴).

۷. در خصوص موافقتنامه مربوط به نحوه استفاده از آب رودخانه های مرزی ضروری است که:

۱. مشخص شود که آیا عراق هنوز به این موافقتنامه پای بند هست یا نه، این موافقتنامه نیز در زمان صدام حسین منعقد شده است. اگر به آن پای بند هست، چرا از بین عهدنامه ۱۹۷۵، ۳ پروتکل و ۴ موافقتنامه فقط اجرای این یکی را پی گیری می کند.

۲. ایران باید به طرف عراقی بدون رودر بایستی، همانگونه که مقامات عراقی عمل می کنند، اعلام نماید که عراق نمی تواند خواستار اجرای یکی از موافقتنامه های سال

۱۹۷۵ که فقط در راستای منافع آن کشور است، شود. عراق اجرای موافقتنامه مربوط به کشتیرانی در اروند رود را پیگیری نمی کند، چون آن را در راستای منافع ملی خود نمی بیند.

۳. موافقتنامه مربوط به استفاده از آب رودخانه های مرزی، برگ برنده ایران است. ایران باید از این برگ به نحو احسن استفاده کند. ایران باید مسأله اجرای موافقتنامه مربوط به استفاده از آب رودخانه های مرزی را موکول و مشروط به اجرای عهدنامه ۱۹۷۵ (علامت گذاری مرزها)، اجرای موافقتنامه مربوط به کشتیرانی در اروند رود (لایروبی آن) و نیز پرداخت خسارت نماید. زیرا به طوری که گفته شد این موافقتنامه ها به صورت یک بسته است و نمی توان از یک بسته، یک مورد خاص را انتخاب کرد.

### فهرست منابع

#### - فارسی

- اداره کل امور حقوقی و معاهدات وزارت امور خارجه. (۱۳۶۲). رژیم حقوقی رودخانه های مرزی و بین المللی.
- اطلاعات سیاسی - اقتصادی. (۱۳۸۸). سال بیست و سوم، شماره ۲۶۴-۲۶۳.
- برهان، امیر. (۱۳۷۶). «بحران آب در کشورهای در حال توسعه»، آب و توسعه، شماره ۱۶.
- جعفری ولدانی، اصغر. (۱۳۷۶). بررسی تاریخی اختلافات مرزی ایران و عراق، چاپ سوم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- جعفری ولدانی، اصغر. (۱۳۷۷). کانون های بحران در خلیج فارس، چاپ دوم، تهران: سازمان انتشارات کیهان.
- جعفری ولدانی، اصغر. (۱۳۸۲). روابط خارجی ایران بعد از انقلاب اسلامی، تهران: آوای نور.
- جعفری ولدانی، اصغر. (۱۳۸۷). «بررسی عهدنامه ۱۹۷۵ ایران و عراق» اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۴۸-۲۴۷.
- جهانی، عباسقلی. (۱۳۷۶). «چالش های مدیریت آب...» نشریه آب و توسعه، شماره ۱.
- ساری صراف، بهروز. (۱۳۸۴). «بحران آب و همکاری های بین المللی» اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۱۶-۲۱۵.
- سفارت جمهوری اسلامی ایران (برن). (۱۳۷۳). خاورمیانه و بحران آب ها، مجله سیاست خارجی، سال هشتم، شماره ۳.
- صورتجلسات کمیسیون تعیین حدود ۱۹۱۴
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا. (۱۳۷۹). حقوق بین الملل عمومی، تهران: گنج دانش.
- فخاری، غلامرضا. (۱۳۷۱). اختلاف دولتی ایران و افغانستان در مورد رود هیرمند، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- فرشاد گهر، ناصر. (۱۳۶۷). نظام حقوقی رودهای بین المللی و اروند رود، تهران دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ایرانشهر، جلد دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کیا، محمد. (۱۳۷۷). «بحران آب از دیدگاه مشترک» آب و توسعه، شماره ۲ و ۳.

- گزارش موسسه مطالعات استراتژیک لندن.(۱۳۷۲). آب، امنیت و خاورمیانه، ترجمه پیروز ایزدی، تهران: دانشگاه امام حسین.
- "گزارش نشست های مشترک مرزی ایران و عراق"، **اطلاعات**، ۲۱ و ۲۸ بهمن ۱۳۸۸.
- گنجی، منوچهر.(۱۳۴۸). **حقوق بین الملل عمومی**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- وزارت امور خارجه ایران. اطلاعاتی درباره عراق.
- وزارت امور خارجه ایران.(۱۳۵۵). عراق، تهران: ۱۳۵۵.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا.(۱۳۷۵). **سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی**، تهران: نشر البرز

- لاتین

- Carretson, A.H.Hayton(1976), R.D.Olmstead, C.Y. eds: **The Law of int'l Drainage Basins**, (N.Y. University School of law)
- Cheshire:**The Law of Real Property,London-Butter Worth**, 1962.
- Colombos, C.J.(1964).Int'l Law of the Sea, London.
- General Assembly Resolution 5/229, **Annex, Official Recordes of The General Assembly, Fifty- First Session**, No. 49(A/51/49)
- Green. H. Hack Warth.(1940)., Digest of int'l Law, **Washington**, Vol 1.
- Http://en wikipedia. Org. Wili Convention on The Law of Navigational Uses of International Water sources.
- Institute of int'l Law, **Yearbook, 1911.vol.24**.
- James Simsarian,(1958),The Diversion of Waters Affecting the United States and Canada, **American Journal of int'l Law** , vol.32.
- Joseph W Dellpanna and Joyeeta Gupta.(2009).**The Evolution On The Law and Politics Of Water**, Netherlands.
- Joseph W.Dellapenna.(2003).“The Law Of International Water sources: Non Navigational Uses”, **American Journal of International Law**.

- Majid khadduri:(1975), **Major Middle Eastern Problems in Int'l Law, Washington.**
- Naomi saker,(1982)"**Ecomic Relations Between Iraq and other Arab Gulf States "in Iraq: The contemporary state** (ed.) Tim Niblock, London: Croom Helm.
- Oppenheim(1955),**L:int'l Law, vol. 1**(Pearce).H.LauterPacht, London
- Owen McIntyre,(2007),**Environment Protection of International Water sources under International Law**, Hardcover, Ashgate Publisher
- Smith H.A.(1951).**The Economic use of The int'l River, London**, king
- StephenC. Mc Caffrey(2001), **The Law of International Water sources: Non Navigation Uses: New York: Oxford University Press.**
- **The Encyclopedia Americana: Vol.xx71**, American Corporation, 1963.
- U.N. Convention on the Law of the Non-Navigational Uses of International Watercourses 1997. Copyright of United Nations 2005.
- U.N. **The Work of the International Law Commission**, 1th ed. Vol. 1, 2005.
- W.E.Hall:(1924), **Int'l Law, Pearce Higgins**, Oxford
- W.E.Ken Wortly.(1960).Joint Development of Int'l Waters, **American Journal of Int'l Law, vol.24.**
- w.w.w. Khabar Online. Ir/news-19295.aspx